



بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری - 21 / اسفند / 1393

پس از برگزاری هفدهمین اجلاس مجلس خبرگان رهبری (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقیة الله في الارضين. خوشامد عرض میکنم به آقایان محترم. علاوه بر مزایایی که جناب آقای یزدی - رئیس محترم مجلس خبرگان - بیان فرمودند، (۲) یک مزیت دیگری هم وجود دارد که آن مخصوص بنده است و آن اینکه ما در این اجلاسها، برادران عزیز و آقایان محترم را از نزدیک زیارت میکنم؛ این هم برای ما یک فرصتی است و از خداوند متعال میخواهیم که شما را - همه آقایان را، دوستان را - موفق بدارد که این وظایف سنگینی که بر عهدهی همهی ما است، ان شاء الله به بهترین وجهی انجام بگیرد.

من اولاً تبریک عرض میکنم به جناب آقای یزدی به خاطر احراز مسئولیت ریاست این جلسه. خوب، شخصیت ایشان، سوابق ایشان، لواحق ایشان، همهی اینها چیزهایی است که این انتخاب را انتخاب مناسب و بجایی نشان میدهد. ان شاء الله که ایشان از لحاظ مزاجی و آمادگیهای گوناگون، خداوند کمکشان کند و بتوانند به وظایفشان عمل کنند. یاد مرحوم آقای مهدوی (۳) (رضوان الله علیه) را هم گرامی میداریم. ایشان شخصیت برجسته‌ای بودند و حقاً وجود مرحوم آقای مهدوی در دوران طولانی بعد از پیروزی انقلاب - علاوه بر مجاهدتشان قبل از پیروزی - یک وجود اثرگذار و مظهر یک روحانی فعال و عالم عامل بود. امیدواریم که خداوند متعال ایشان را جزای اوفی عنایت کند و از رحمت و مغفرت خودش ایشان را برخوردار کند.

بحمدالله این جلسهی اجلاس آقایان که در آن انتخابات داخلی انجام گرفت - آن طوری که به من گزارش کردند - اجلاس بسیار متین و در واقع الگو برای دستگاههایی [بود] که این جور انتخاباتها را انجام میدهند؛ با متانت کامل و بدون این حرفها و چیزهایی که معمولاً در جلسات یارگیری و انتخاباتی پیش می‌آید، بحمدالله کار بزرگی را انجام دادید.

به مناسبت اوضاعی که در منطقه‌ی ما حاکم است و بلکه اوضاعی که در جهان حاکم است و چالشی که میان جمهوری اسلامی و چند دولت متکبر و مستکبر بر سر قضایای مختلف - چه قضیه‌ی هسته‌ای و چه بقیه‌ی قضایا - در جریان است و همچنین به مناسبت بحثهای اقتصادی‌ای که در داخل کشور هست و تلاشی که مسئولان مختلف هرکدام به نحوی برای تحقق مقاصد اسلامی و منافع مردم انجام میدهند، و سرانجام به مناسبت مسئله‌ی اسلام‌هراسی‌ای که امروز یکی از پدیده‌های رایج دنیای استکبار و دنیای غرب است - مجموع این مطالب - به نظر رسید که این موضوع را مطرح کنیم که آنچه ما از مجموع معارف قرآنی استفاده میکنیم و درمی‌یابیم، این است که مطالبه‌ی اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی به نحو کامل است؛ مطالبه‌ی اسلام، تحقق کامل دین اسلام است. این آن چیزی است که انسان در مجموع آن را احساس میکند.

دین حدائقی و اکتفای به حدائقها، از نظر اسلام قابل قبول نیست؛ ما در معارف خودمان چیزی به عنوان دین حدائقی نداریم، بلکه در قرآن کریم در موارد متعددی اکتفای به بعضی از تعالیم دینی دون (۴) بعضی، مذمت شده است؛ «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (۵) یا آیه‌ی شریفه‌ی «وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنُكْفَرُ بِبَعْضٍ» (۶) که مربوط به منافقین است، اشاره‌ی به همین است. حتی برخی از بخشهای دین که خیلی برجسته است - مثل اقامه‌ی قسط - هم کافی نیست که انسان دل خود را خوش کند که ما حالا دنبال اقامه‌ی قسطیم و اقامه‌ی قسط خواهیم کرد، پس اسلام تحقق پیدا کرد؛ نه، این نیست. بلکه مسلماً اقامه‌ی قسط در جامعه، یک قلم مهم است. از این آیه‌ی شریفه در



سوره‌ی مبارکه‌ی حدید، لقد أرسلنا رُسُلنا بالبیِّناتِ وَ انزلنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَ الْمِیزانَ لِيَقومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (۷) این جور به نظر میرسد در بادی (۸) امر، که هدف از ارسال رسل و انزال کتب و معارف الهی، اقامه‌ی قسط است که حالا این جمله‌ی «لِيَقومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» را هر جور معنا کنیم - چه به این معنا بگیریم که «لِيَقومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یعنی «لِيَقِيمَ النَّاسُ الْقِسْطَ» که مثلاً «باء» را «باء تعدیه» بگیریم، که این وظیفه‌ی مردم است که در محیط زندگی خودشان اقامه‌ی قسط کنند ؛ یا نه، «باء تسبیب» که «لِيَقومَ النَّاسُ بِسَبَبِ الْقِسْطِ»، یعنی با قسط با مردم [رفتار کنیم] ؛ هر کدام از این دو معنا یا معانی احتمالی دیگری که وجود دارد، اگر در نظر گرفته بشود - اهمیّت اقامه‌ی قسط را در جامعه روشن میکند. لکن این بدین معنا نیست که شارع مقدّس از ما قبول میکند که ما مثلاً اکتفا کنیم به اقامه‌ی قسط و همه‌ی همّت خودمان را بگذاریم برای اینکه اقامه‌ی قسط بشود، ولو برخی از احکام دیگر اسلام - مثلاً - مورد بی‌توجهی قرار بگیرد ؛ نه، آیه‌ی شریفه میفرماید که «الَّذینَ اِنْ مَكَّنْهُمُ فِی الْاَرْضِ اَقامُوا الصَّلوةَ وَ اَتَوْا الزَّکوةَ وَ اَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ». (۹) یعنی انتظاری که خدای متعال از متمکنین در ارض دارد، اینها است که اولش «اَقامُوا الصَّلوةَ» بعد «وَ اَتَوْا الزَّکوةَ وَ اَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ وَ اللهُ عاقِبَةُ الْأُمُورِ» (۱۰) [است]. این جور نیست که اگر ما به قسط توجه میکنیم، حق داشته باشیم که از اقامه‌ی صلوات و اهمیّت دادن به صلوات یا به زکات یا به امر به معروف و نهی از منکر غفلت کنیم، بلکه «اَنْ اَعْبُدُوا اللهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (۱۱) - که چندین بار این لفظ و این مضمون در قرآن تکرار شده - نشان میدهد که اصلاً خدای متعال پیغمبران را فرستاد برای توحید، برای اجتناب از طاغوت، برای عبودیت خداوند ؛ اساس کار این است. یا وصیّتی که خدای متعال در آن آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی شوری، به نوح و به ابراهیم و به موسی و به بقیّه کرده است: اَنْ اَقِیْمُوا الدِّینَ ؛ (۱۲) آنکه مورد نظر است، اقامه‌ی دین است ؛ یعنی همه‌ی دین را باید اقامه کرد ؛ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ کَبْرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ ما تَدْعُوهُمْ اِلَیهِ اللهُ یَجْتَبِی اِلَیهِ مَنْ یَشَاءُ وَ یَهْدِی اِلَیهِ مَنْ یُتِیبُ ؛ (۱۳) یعنی همه‌ی دین - همه‌ی اجزا و همه‌ی ارکان دین - مورد توجه است، و معارض اصلی هم در مقابل این حرکت و این رویکرد - یعنی اقامه‌ی دین بتمامه، بجمیع اجزائه، بکله - عبارتند از قلدرهای عالم، مستکبران عالم ؛ کَبْرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ ما تَدْعُوهُمْ اِلَیهِ ؛ (۱۴) آنچه تو به آن دعوت میکنی، برای مشرکین [گران است] ؛ یا در آیه‌ی شریفه در اوّل سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب ؛ یا یٰٓاَیُّهَا النَّبِیُّ اتَّقِ اللهَ وَ لَا تُطِعِ الْکَافِرِینَ وَ الْمُنْفِقِینَ اِنَّ اللهَ کانَ عَلِیماً حَکِیماً ؛ (۱۵) یعنی هم علیم است خدای متعال که احاطه‌ی علمی دارد به تمام اجزا و ذرات عالم و سازوکار زندگی ذرات، و هم حکیم است ؛ با حکمت، راه تو را در این مجموعه مشخص کرده و باید دنبال کنی. وَ اتَّبِعْ ما یُوحِی اِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ اِنَّ اللهَ کانَ یَما تَعْمَلُونَ حَبِیراً * وَ تَوَكَّلْ عَلَی اللهِ وَ کَفِی بِاللّهِ وَکِیلاً ؛ (۱۶) در مقابله‌ی با این حرکت تو، دشمنی وجود خواهد داشت. بنابراین [قضیه] این است.

نظام اسلامی که ما مدعی آن هستیم و دنبال آن هستیم - حالا نظام اسلامی به معنای مجموعه‌ی ظرفیتهایی است در کشور که حرکت عمومی مردم را و مسئولین را شکل میدهد ؛ به این میگوییم نظام ؛ همه‌ی ظرفیتهایی که موجب حرکت عمومی مردم و مسئولین میشود، مجموع اینها، نظام اسلامی است - وقتی این نظام واقعاً اسلامی است که در آن همه‌ی اجزای اسلام محفوظ باشد و صورت و سیرت اسلام در آن حفظ بشود. صورت اسلام، همین حرفهای ما و اظهارات ما و کارهایی که میکنیم و این ظواهر امر است ؛ سیرت اسلام، این است که ما یک هدفی را، یک آرمانی را، یک سرمنزلی را در نظر بگیریم و تعریف کنیم و برای رسیدن به آن سرمنزل، برنامه‌ریزی کامل کنیم، و در این راه عمل کنیم، حرکت کنیم، با همه‌ی وجود راه بیفتیم ؛ آن وقت در آن صورت، سیرت اسلامی هم، هم، محفوظ خواهد ماند، هم رو به کمال خواهد رفت ؛ یعنی در یک حد هم متوقف نمیماند ؛ خب، این برنامه‌ای است که ما برای رسیدن به آن اهداف، به آن احتیاج داریم.

آنچه ما امروز در زبان مستکبرین و مخالفین نظام اسلامی و مشخصاً جمهوری اسلامی مشاهده میکنیم که با «تغییر رفتار» از آن یاد میکنند - گاهی میگویند ما تغییر نظام را نمیخواهیم، تغییر رفتار را میخواهیم - [همین



است]. تغییر رفتار با تغییر نظام هیچ تفاوتی ندارد؛ درست همان است؛ یعنی تغییر آن سیرت اسلامی؛ این معنای تغییر رفتار است. تغییر رفتار یعنی شما از آن چیزهایی که از لوازم قطعی و حتمی حرکت به آن سرمنزل است، دست بردارید؛ از آن کوتاه بیایید و نسبت به آن، اهتمام خودتان را از دست بدهید؛ این معنای تغییر رفتار است؛ یعنی همان چیزی که گاهی از آن در برخی از گفته‌ها و نوشته‌ها تعبیر میشود به دین حداقّلی؛ یعنی کاستن از آرمانها که به معنای نابودی سیرت دین است. این دین حداقّلی یعنی در واقع دین را حذف کردن.

حالا در چنین وضعیتی هدف ما این است و خطمشی قطعی ما باید این باشد که دنبال اسلام تمام و کامل باشیم؛ یعنی دنبال این باشیم که واقعاً تا آنجایی که در قدرت ما است تلاش کنیم - حالا خدای متعال بیش از آنچه در توان ما و در قدرت ما است، از ما توقع نمیکند - اما تلاش ما این باشد و هدف گذاری ما این باشد که همه‌ی اسلام - اسلام به کامله، بنامه - در جامعه‌ی ما تحقق پیدا کند. وقتی هدف این شد، فوراً یک مسئله‌ای پیش می‌آید و آن مسئله‌ی «اسلام‌هراسی» است که امروز در دنیا رایج است. به نظر من در برابر پدیده‌ی اسلام‌هراسی مطلقاً نباید منفعل شد؛ بله، اسلام‌هراسی وجود دارد؛ عده‌ای دارند مردم را، جوامع را، جوانان را، اذهان را از اسلام میترسانند؛ اینها چه کسانی هستند؟ درست که مسئله را میشکافیم و در مسئله دقت میکنیم، می‌بینیم که اینها همان اقلّیت قدر و زیاده‌خواهی هستند که از حاکمیت اسلام میترسند؛ از اسلام سیاسی میترسند؛ از حضور اسلام در متن زندگی جوامع میترسند؛ علت ترسشان هم این است که منافع آنها لطمه خواهد خورد. اسلام‌هراسی در واقع ترجمه‌ی هراس و سراسیمگی قدرتها در مقابل اسلام است؛ واقع قضیه این است. یعنی شما اینجا زحمت کشیدید، ملت ایران تلاش کردند، زحمت کشیدند، مجاهدت کردند، نظام اسلامی را سر کار آوردند و این نظام اسلامی را تثبیت کردند، پایه‌اش را محکم کردند، آن را در مقابل حوادث گوناگون مصونیت و ایمنی دادند و روزبه‌روز قوی کردند؛ این، قدرهای دنیا را میترسانند. اسلام‌هراسی‌ای که امروز وجود دارد، در واقع انعکاس و بازتاب دغدغه‌ی آنها است، سراسیمگی آنها است؛ نشان میدهد که شما پیش رفتید؛ نشان میدهد که اسلام توانسته است حرکت خود را به‌طور موفق تا اینجا پیش ببرد.

و البته علی‌رغم آنها، این حرکت آنها علیه اسلام و تلاش آنها برای اسلام‌هراسی، نتیجه‌ی عکس خواهد داد؛ به این معنا که اسلام را در کانون پرسش جوانها قرار میدهد؛ یعنی اگر به مردم معمولی دنیا یک تلنگری زده شود، یک توجهی به آنها داده شود، اینها ناگهان به فکر می‌افتند که علت اینکه این قدر اسلام در این مطبوعات صهیونیستی، در این شبکه‌های تلویزیونی وابسته‌ی به محافل قدرتمند و دارای زر و زور مورد تهاجم قرار میگیرد چیست؟ این خود زمینه‌ی یک پرسش است و این پرسش به نظر ما برکاتی دارد و میتواند این تهدید را تبدیل به فرصت کند. ما بایستی تلاش کنیم، یعنی در نظام جمهوری اسلامی، کار بزرگ و مهم این است که ما همه - هر کسی در هر نقطه‌ای قرار دارد که توانی در این زمینه دارد - باید تلاشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم، اسلام طرف‌دار مظلوم و ضدّ ظالم را در دنیا مطرح کنیم. همان جوانی که در اروپا است، یا در آمریکا است، یا در مناطق خیلی دوردست است، از این خصوصیت مبتهج میشود، به هیجان می‌آید که معلوم بشود اسلام عبارت است از نیرویی، انگیزه‌ای، فکری که علیه ظالمین و ستمگران و به نفع مظلومین حرکت میکند، برنامه دارد و این را وظیفه‌ی خودش میدانند. اسلام طرف‌دار عقلانیت، اسلام فلسفه‌های عمیق، اسلام تفکر، اسلامی که در قرآن این‌همه به عقل و فکر و لبّ (۱۷) و مانند اینها اهمّیت داده شده را معرفی کنیم؛ اسلام طرف‌دار عقلانیت و ضدّ قشری‌گری، ضدّ تجرّ، ضدّ اسیر اوهام و تخیلات خود شدن - که کسانی به نام اسلام این چیزها را دارند - اسلام ناب را نشان بدهیم، بگوییم اسلام، این است؛ اسلام متعهد در برابر لابلالی‌گری. بله، امروز دستگاه‌های فراوانی جوانها را به بی‌مبالاتی، به لابلالی‌گری، به لاقیدی در امور گوناگون سوق میدهند. خب، اسلامی که انسان را متعهد دانسته، او را متعهد می‌خواهد و می‌طلبد؛ اسلام حاضر در متن زندگی، در برابر اسلام سکولار! اسلام سکولار شبیه مسیحیت سکولار است که میرود



در گوشه‌ی کلیسا، خودش را زندانی میکند و در محیط واقعی زندگی هیچ حضوری ندارد؛ اسلام سکولار هم همین جور است؛ کسانی هستند امروز دعوت میکنند به اسلام منزوی؛ اسلامی که هیچ کاری به کار زندگی مردم ندارد؛ مردم را به یک عبادتی، به یک چیزی گوشه‌ی مسجد یا گوشه‌ی خانه‌ها فرامیخواند. اسلام وارد در متن زندگی را معرفی کنیم؛ اسلام رحمت به ضعفا؛ اسلام جهاد و مبارزه‌ی با مستکبران. به نظر من این یک وظیفه‌ای است که به عهده‌ی همه است؛ دستگاه‌های تبلیغاتی ما، دستگاه‌های علمی ما، حوزه‌های علمی‌ه‌ی ما باید این هدف را دنبال بکنند. اینکه امروز اسلام را آماج حملات خودشان قرار داده‌اند [به خاطر این است]؛ آن کسانی هم که آماج قرار داده‌اند، مشخص است چه کسانی هستند و چه دستگاه‌هایی و چه جریان‌هایی هستند؛ مشخص است؛ اینها وابسته‌ی به یک مجموعه‌ی قدرتمند زر و زور سیاسی و اقتصادی غالباً صهیونیست یهودی، و اگر صهیونیست یهودی هم نیستند صهیونیست غیر یهودی - که امروز در دنیا صهیونیست‌های غیر یهودی داریم - هستند. در مقابل اینها ما از این فرصت استفاده کنیم و این سؤال را مطرح کنیم در ذهن مردم دنیا و در ذهن جوانها که فکر کنید، ببینید چرا به اسلام این همه حمله میکنند؛ آن وقت اسلام واقعی را در اختیار اینها بگذاریم.

به نظر بنده اگر ما مجموعه‌ی روحانیون و اهل علم و کسانی که در مسائل دینی کار میکنند، در همه‌ی مسائل خودمان این را هدف قرار بدهیم یعنی تحقق اسلام بکامله و مقابله‌ی با دشمنی‌ها با این شکل، موفقیت‌های زیادی خواهیم داشت.

چالش‌های جهانی هم داریم؛ به نظر من از سطحی‌نگری در چالش‌های جهانی بایستی خودداری کرد. ما امروز با آمریکا چالش داریم، با بعضی از کشورهای اروپایی چالش داریم؛ حالا امروز موضوع چالش به‌طور آشکار و نمایان، مسئله‌ی هسته‌ای است؛ مسائل گوناگون دیگر هم هست که مایه‌ی چالش بین ما و اینها است؛ نگاه کنیم ببینیم این چالش از چه چیزی ناشی میشود؛ یعنی ریشه‌ها را بفهمیم و از سطحی‌نگری پرهیز کنیم.

و مشکلاتی را هم که متوجه ما میشود درست بشکافیم. حالا مثلاً فرض بفرمایید ما از تحریم صدمه دیدیم و آسیب‌هایی از تحریم به اقتصاد ما، به مسائل گوناگون ما وارد شده است؛ این آسیب‌ها ناشی از چیست؟ انسان اگر چنانچه درست موشکافی کند، میبیند این آسیب‌ها بیشتر ناشی از وابستگی ما به نفت است مثلاً؛ یا بیشتر ناشی از عدم حضور مردم در متن میدان اقتصادی است، [یعنی] دولتی کردن اقتصاد؛ بیشتر ناشی از اینها است. اگر ما نگاه کنیم و عامل اصلی را بشناسیم و آن عامل اصلی را به نحوی علاج کنیم، تحریم یا بی‌اثر خواهد شد یا کم‌اثر خواهد شد. اینکه دشمن میتواند ما را تحریم کند و مثلاً دست روی نفت ما بگذارد و این ما را آزار میدهد، به خاطر این است که ما نفت را در زندگی خودمان و در اقتصاد خودمان عمده کرده‌ایم؛ اینکه وقتی با دولت برخورد میکند، دستگاه‌های گوناگون دولتی مورد تحریم قرار میگیرند، به خاطر این است که این دستگاه‌ها متعلق به دولتند. ما میتوانستیم در عرصه‌ی اقتصادی، دستهای گوناگون مردمی را وارد بکنیم. آن اشتباهاتی که کردیم در اوایل انقلاب که همین طور اصرار کردیم بر اینکه همه چیز بایست متعلق و در اختیار دولت باشد و چیزهای جزئی کوچک زندگی را هم ما سپردیم به دولت، خب نتیجه‌اش همین چیزها است؛ اینها را بایستی علاج کرد.

به نظر ما اگر این جور فکر کنیم و این جور حرکت بکنیم، مشکلات حل خواهد شد؛ یعنی ما در مشکلات، وابسته‌ی به عطف محبت طرف مقابل نخواهیم بود؛ میتوانیم واقعاً خودمان تأثیر بگذاریم بر فضای چالشی‌ای که بین ما و دشمنان ما و مستکبرین وجود دارد؛ از جمله همین مذاکراتی که حالا جاری است. فعلاً مذاکراتی که بر فعالیتهای دیپلماسی ما و فعالیتهای سیاست خارجی ما بیشتر سایه افکنده، مذاکرات مربوط به مسائل هسته‌ای است. همین حرف، همین معیار، همین منطق، در این مذاکرات هم به نظر ما کاملاً کارایی دارد.

من البته همین جا این را عرض بکنم: این تیمی و هیئتی که رئیس جمهور محترم برای مذاکرات هسته‌ای گذاشته‌اند، مردمان امین و مردمان خوبی هستند. بعضی را ما از نزدیک می‌شناسیم و واقعاً مورد قبولند، بعضی را هم



از حرفه‌ایشان و از کارهایشان دورادور می‌شناسیم؛ هم‌امینند، هم‌دلسوزند؛ دارند تلاش میکنند کار میکنند؛ این را ما لازم است که منصفانه بیان کنیم. البته باینکه این دوستان و این برادران برادران خوبی هستند، برادران امینی هستند و میدانیم که دارند برای صلاح کشور تلاش میکنند، درعین حال من‌نگرانم؛ چون طرف مقابل، طرف حيله‌گری است. از جمله‌ی چیزهایی که غالباً پنهان میماند از چشمها، حيله‌گری اشخاص یا جهاتی است که دارای ظاهر بزرگ و فریبی هستند؛ آدم فکر نمیکنند که اینها هم حيله‌گر باشند. خب امروز آمریکا ظاهر فریبی دارد؛ قدرت مالی، قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت نظامی، قدرت امنیتی، و غفلت میشود از اینکه همین دستگاه صاحب قدرت، اهل موذی‌گری‌های آدمهای ضعیف هم باشد، ولی هست؛ اهل حيله‌گری است، اهل خدعه است، اهل خنجر از پشت زدن است؛ این جور است. ما نباید این جور تصور بکنیم که حالا اینها چون مثلاً بمب اتم دارند یا وسایل نظامی قدرتمندی دارند، بنابراین احتیاجی ندارند به اینکه دست به حيله و خدعه بزنند؛ نه، اتفاقاً احتیاجشان هم زیاد است و عمل هم میکنند و واقعاً خدعه‌گری میکنند؛ این ما را نگران میکند. باید مراقب شگردهای دشمن باشیم. هر وقتی که یک زمان معین شده است برای پایان مذاکرات و ما به این زمان نزدیک میشویم، لحن طرف مقابل - بخصوص لحن آمریکایی‌ها - تندتر، سخت‌تر، خشن‌تر میشود؛ این برای این است که جزو شگردهای اینها است، جزو حيله‌ها و خدعه‌های اینها است.

و می‌بینید اظهاراتی هم که میکنند، واقعاً اظهارات سخیفی است، اظهارات مشمئزکننده‌ای است. مسئولین آمریکایی در همین ایام به‌مناسبت اینکه حالا یک دلک صهیونیست رفته آنجا و حرفهایی زده، (۱۸) برای اینکه خودشان را کنار بکشند مطالبی گفتند، اما ایران را هم متهم کردند که ایران طرف‌دار تروریسم است. خب این حرف، خنده‌آور است؛ امروز در دنیا همه دارند مشاهده میکنند که آن قدرت و آن دولتی که از خبیث‌ترین تروریست‌ها - یعنی از همین داعش و امثال اینها - حمایت کرده است و اینها را به‌وجود آورده و هنوز هم علی‌رغم اینکه به‌ظاهر میگوید در مقابل اینها است، دست از حمایت اینها برنمی‌دارد، آمریکا است و هم‌پیمانان آمریکا. کسانی که در منطقه دست به دست آمریکا دارند و پشتیبانی میکنند، کمک میکنند، همکاری میکنند، اینها هستند که طرف‌دار تروریسم و تروریست‌های جرّار (۱۹) خبیث هستند. آمریکا دولتی را که رسماً اعتراف میکند به تروریست بودن - یعنی دولت جعلی صهیونیستی - دارد حمایت میکند؛ صریحاً حمایت میکنند؛ اصلاً حمایت از تروریسم یعنی این. این زشت‌ترین شکل حمایت از تروریسم است که آنها میکنند، آن وقت درعین حال جمهوری اسلامی را متهم میکنند به اینکه این طرف‌دار تروریست است؛ که باید اینها را مورد توجه قرار داد.

همین نامه‌ای که این سناتورها نوشتند - که انواع مطالب را واقعاً انسان در این نامه [می‌بیند] - از نشانه‌های فروپاشی اخلاق سیاسی در نظام آمریکا است؛ پیدا است واقعاً اینها دچار فروپاشی‌اند؛ چون همه‌ی دولتهای عالم طبق مقررات شناخته شده و پذیرفته‌ی بین‌المللی به تعهدات خودشان پایبندند. بالاخره یک دولتی در یک کشوری سر کار است، یک تعهدی میکند، بعد آن دولت میرود دولت دیگری می‌آید، آن تعهد به جای خود باقی است؛ نقض تعهد نمیکنند. این آقایان سناتور صریحاً برداشتند اعلام کردند که اگر چنانچه این دولت در آمریکا از کار برکنار شد، این قراردادی که با شما می‌بندد و تعهدی که میکند کأن لم یکن است! این نهایت فروپاشی اخلاق سیاسی است و نشان‌دهنده‌ی این است که آن دستگاه دستگاهی است که واقعاً قابل ادامه نیست؛ یعنی آن دستگاه دستگاه متلاشی شده‌ای است که این جور چیزها را انسان در آن مشاهده میکند. آن وقت می‌گویند ما میخواهیم به ایرانی‌ها یاد بدهیم، درس بدهیم که بفهمند قوانین ما چیست! خب ما احتیاج به درس آنها نداریم؛ ما اگر چنانچه به توافقی هم برسیم، بلدییم چه جور عمل بکنیم که بعد آنها نتوانند جمهوری اسلامی را پشت درنگه دارند. این را مسئولین نظام جمهوری اسلامی بلدند که چه جور عمل بکنند، احتیاج به درس آنها نیست اما آنها این جور عمل میکنند؛ این واقعاً نشان‌دهنده‌ی فروپاشی است.



به‌رحال در همه‌ی کارهایی که ما داریم، در همه‌ی تلاشهایی که میکنیم، چه تصمیم‌هایی که در مسائل اقتصادی میگیریم، چه در مسائل فرهنگی - که حالا اگر بنده زنده بودم و به اول سال رسیدیم، مطالبی هست برای گفتن که ان‌شاءالله عرض خواهم کرد - ما باید این اصل را از یاد نبریم که وظیفه‌ی ما تحقق بخشیدن به اسلام بکامله است؛ باید دنبال اسلام کامل باشیم. این جور نباشد که از آرمان اسلام بکاهیم به‌خاطر اینکه مثلاً در فلان قضیه موفق بشویم؛ نه، موفقیت ما، پیشرفت ما وابسته به این است که ان‌شاءالله بتوانیم [اسلام کامل را محقق کنیم]. اگر این جور شد، خدای متعال هم کمک خواهد کرد، و نصرت الهی قطعاً و یقیناً و بدون هیچ تردیدی متوقف به این است که ما دین خدا را نصرت کنیم. **إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ**؛ (۲۰) دیگر صریح‌تر از این و واضح‌تر از این، حرفی وجود ندارد؛ **«إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ»** یعنی دین خدا را نصرت کنید؛ **إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**؛ (۲۱) و **لِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ**؛ (۲۲) اینها دیگر چیزهای مؤکدی است که وعده‌های الهی است؛ نباید به این وعده‌های الهی بی‌توجه بود؛ **الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءَ**؛ (۲۳) اینکه واقعاً انسان وعده‌ی خدا را غیر قابل تحقق بداند، بدترین سوءظن به خدای متعال است که خدای متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی انا فتحنا، آن کسانی را که این جور حرکت میکنند مورد غضب خود دانسته است. (۲۴)

امیدواریم خداوند متعال به شما و به ما توفیق بدهد که بتوانیم آنچه را وظیفه‌ی ما است در این زمینه، انجام بدهیم و برکات الهی را که ناشی از این جور حرکت کردن است، ان‌شاءالله شامل حال خودمان، کشورمان، ملتمان قرار بدهیم؛ و امیدواریم خداوند متعال روح مطهر امام بزرگوار را شاد کند، ارواح طیبه‌ی شهدا را ان‌شاءالله شاد کند که آنها این راه را به ما نشان دادند و بر روی ما باز کردند و ما را در این راه به حرکت آوردند.
والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

۱) این دیدار به‌مناسبت برگزاری هفدهمین اجلاس رسمی چهارمین دوره‌ی مجلس خبرگان رهبری در روزهای نوزدهم و بیستم اسفند سال جاری، برگزار شد. قبل از شروع بیانات معظم‌له، آیت‌الله محمد یزدی (رئیس مجلس خبرگان) گزارشی ارائه کردند.

۲) رئیس مجلس خبرگان با اشاره به اینکه «بروز بودن اعضا» از مهم‌ترین فلسفه‌های اجلاسهای سالانه‌ی این مجلس است، برنامه‌های چهار جلسه‌ی این اجلاس را در دو بخش دعوت از شخصیت‌های مطلع از وقایع روز (وزیر امور خارجه و فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) و نطق‌های پیش از دستور نمایندگان (در موضوعات: بررسی وضعیت اسلام در اروپا، استاندارد «غذای حلال» در ایران و سایر کشورها، بررسی مسائل اقتصادی و فرهنگی کشور) بیان کرد.

۳) آیت‌الله محمد مهدی مهدوی‌کنی (رئیس پیشین مجلس خبرگان)

۴) منهای

۵) سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۹۱؛ «همانا که قرآن را جزء جزء کردند [به برخی از آن عمل کردند و بعضی را رها نمودند]»

۶) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۵۰؛ «... و میگویند: ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار میکنیم...»

۷) سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵؛ «براستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند...»

۸) ابتدای

۹) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۱؛ «همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا میدارند و زکات میدهند و به کارهای پسندیده و امیدارند و از کارهای ناپسند باز میدارند...»

۱۰) همان؛ «... و فرجام همه‌ی کارها از آن خدا است.»



- ۱۱) سوره ی نحل، بخشی از آیه ی ۳۶ ؛ «... [تا بگوید:] "خدا را بپرستید و از طاغوت [= فریبگر] بپرهیزید"»
- ۱۲) سوره ی شوری، بخشی از آیه ی ۱۳ ؛ «... دین را برپا دارید...»
- ۱۳) همان ؛ «... و در آن تفرقه اندازی نکنید. بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرامیخوانی، گران می آید. خدا هرکه را بخواهد، به سوی خود برمیگزیند، و هرکه را که از در توبه درآید، به سوی خود راه مینماید.»
- ۱۴) سوره ی شوری، بخشی از آیه ی ۱۳ ؛ «... بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا میخوانی، گران می آید...»
- ۱۵) سوره ی احزاب، آیه ی ۱ ؛ «ای پیامبر، از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر، که خدا همواره دانای حکیم است.»
- ۱۶) سوره ی احزاب، آیات ۳ و ۲ ؛ و آنچه را که از جانب پروردگارت به سوی تو وحی میشود، پیروی کن که خدا همواره به آنچه میکنید آگاه است. و بر خدا اعتماد کن، همین بس که خدا نگهبان [تو] است.»
- ۱۷) عقل، فکر
- ۱۸) اشاره به سفر نخست وزیر رژیم صهیونیستی به آمریکا و سخنان وی در کنگره.
- ۱۹) بسیار گذشته
- ۲۰) سوره ی محمد، بخشی از آیه ی ۷ ؛ «اگر خدا را یاری کنید یاریتان میکند...»
- ۲۱) همان ؛ «... و گامهایتان را استوار میدارد.»
- ۲۲) سوره ی حج، بخشی از آیه ی ۴۰ ؛ «... و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری میکند، یاری میدهد...»
- ۲۳) سوره ی فتح، بخشی از آیه ی ۶ ؛ «به خدا گمان بد برده اند...»
- ۲۴) همان ؛ «و [تا] مردان و زنان نفاق پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده اند، بد زمانه بر آنان باد و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و چه بد سرانجامی است.»